



مقدم (ص)

پیامبری برای زمانه‌ی ما

(این کتاب بر اساس منابع تاریخی و عقاید اهل سنت نگاشته شده است)

نویسنده: کارن آرمسترانگ

مترجم: محمد رحمانی

فهرست:

۱	مقدمه مترجم
۵	ویراستار سخن
۱۳	مقدمه
۲۱	فصل اول: مکه
۵۱	فصل دوم: جاهلیت
۸۷	فصل سوم: هجرت
۱۲۰	فصل چهارم: جهاد
۱۶۱	فصل پنجم: سلام
۲۰۷	اصطلاحات
۲۱۰	مکان‌ها
۲۱۱	اشخاص
۲۱۶	منابع

۱ مکه

آنگاه متوجه شد توصیف تجربه‌ای که باعث شده تا او شتابان و هراسان دامنه‌ی تپه‌ی سنگلاخی را برای دیدن همسرش طی کند، تقریباً غیرممکن است. به نظرش می‌رسید که یک حضور قدرتمند، آرام و قرارش را از او گرفته، نیروی مقاومت‌ناپذیری که چنان او را در بر گرفته و در خود می‌فشرد که نزدیک است روح از بدنش جدا شود. محمد در ترس و وحشت ناشی از این تجربه، تنها می‌توانست به این موضوع بیندیشد که نکند جن‌زده شده باشد. جن یکی از ارواح تشنی بود که در بیابان‌های عربستان حاضر بود و مسافران را از مسیر درست به راه می‌برد. جنیان همچنین الهام‌بخش شاعران و غیبه‌گوهای عرب بوده‌اند.

شاعری، استعداد شعری خودش را برآمده از حمله ناگهانی جن به خودش می‌داند. جن بدون هشدار یا آمادگی قبلی ناگهان نزد او ظاهر شده، او را بر روی زمین انداخته و ابیاتی را بر زبانش جاری ساخته بود.^۱ بدین شکل، وقتی هم که حضرت اولین بار دستور قاطع «بخوان!» را شنید، بلافاصله گمان کرد که ممکن است او هم از سوی جنیان تسخیر شده باشد. او با حالت التماس اظهار می‌کند: «من شاعر نیستم». اما حضور این نیروی عظیم باعث می‌شود تا او دومرتبه از پا

^۱ یمن که بندگان برگزیده‌ی خداوند برای انجام رسالت بوده‌اند، استعداد و آمادگی لازم را برای دریافت وحی دارند. حتی پیامبران دیگر هم، مانند ابراهیم و موسی(ع) که در کوه طور به پیامبری برگزیده شد، احساس می‌کردند. و.

درآید، و درست لحظه‌ای که فکر می‌کرد دیگر بیش از این نمی‌تواند این نیرو را در خود تحمل کند، اولین کلمات کتاب مقدس «قرآن» بی‌اختیار بر زبان او جاری شدند. او این مکاشفه را در ماه رمضان ۶۱۰ میلادی دید. بعدها محمد از آن به نام لیلۃ القدر (شب سرنوشت) یاد می‌کرد، چرا که او در آن شب پیامبر خدا شده بود.^۱ اما در آن زمان او متوجه نشد که چه اتفاقی برای او افتاده است. او چهل سال داشت، متأهل و بازرگان محترم مکه، شهر تجاری پررونق آن زمان در حجاز بود. مثل اکثر اعراب آن زمان، او نیز با داستان‌های نوح، لوط، ابراهیم، موسی و مسیح آشنا بود^۲ و می‌دانست که بعضی از مردم منتظر ظهور یک پیامبر عرب هستند^۳، اما هرگز به ذهن او خطور نمی‌کرد که ممکن است او برای انجام این رسالت برانگیخته شود.^۴ در واقع، وقتی او باعجله و هراسان خود را به پایین کوه حرا رساند، سرشار از یأس و ناامیدی بود. چطور الله اجازه داده بود تا جنیان روح او را تسخیر کنند؟ جنیان موجودات غیرقابل اعتمادی بودند، آنها در میان مردم به بوالهوسی مشهور بودند و از گمراه کردن مردم لذت می‌بردند. وضعیت در مکه جدی بود. قبیله او نیازی به راهنمایی خطرناک جن نداشت. آنها تنها به دخالت مستقیم «الله» نیاز داشتند که همیشه یک چهره‌ی سرد و بی‌روح مربوط به گذشته‌های دور بود، همان الهی که بسیاری اعتقاد داشتند مشابه خدای یهودیان و مسیحی‌ها است.

مکه به موفقیت شگفت‌انگیزی رسیده بود. شهر، اکنون به یک مرکز تجاری بین‌المللی تبدیل شده بود و بازرگانان و سرمایه‌داران آن بیشتر از آنچه که فکرش

۱. لیلۃ القدر نامی است که خداوند به شب نزول وحی اطلاق فرموده است. و.

۲. قرآن کریم به پیامبر می‌فرماید که: نه تو و نه قوم تو از سرگذشت پیامبران پیشین اطلاعی نداشتید و ما آن را برای شما بیان می‌کنیم. این اخبار غیبی است که به تو وحی کردیم که پیش از این نه تو و نه قومت از آن آگاهی نداشتید. (هود، ۴۹) و.

۳. یهودی‌ها و نصارا منتظر ظهور پیامبر موعود بودند و به مشرکان می‌گفتند که در کتاب مقدس ما آمدن پیامبری را نوید داده که با آمدن او، ما بر شما پیروز خواهیم شد. و.

۴. رسالت، امانت الهی است و خداوند به هر که شایسته‌ی آن باشد، عطا می‌کند. و.